

# خلاقیت و نوآوری

نویسنده: بهمنی، پردیس

کلیدواژه: خلاقیت؛ نوآوری؛ هوش؛ خصوصیات افراد خلاق

## ۱- مقدمه

آرامش زندگی در گرو برآوردن نیازهاست. نیازها به طور کلی به ۵ گروه تقسیم می‌شوند:

- نیازهای فیزیولوژیکی
- نیاز به امنیت
- نیازهای اجتماعی
- نیاز به احترام
- نیاز به خودیابی

که بترتیب نیازهای اولی نیازهای رده پایین و نیازهای آخری نیازهای رده بالا به حساب آمده و نیاز به خودیابی حد بالایی نیازهاست.

برآورده شدن مناسب نیازها شرط لازم برای بوجود آمدن آمال و آرزوهاست. به عنوان مثال یک فرد گرسنه و آواره هرگز به فکر پرواز بر فراز کوهها نخواهد افتاد. بسیاری نیز معتقدند که خلاقیت در نیاز متولد می‌شود همانگونه که بسیاری از اختراعات بزرگ نه محصول تعریف مشکلی خاص بلکه برای برآوردن نیازی خاص به وجود آمده‌اند.

## ۲- اصول اولیه خلاقیت

به طور کلی خلاقیت فرایندی است که طی زمان ادامه داشته و ابتکار، انطباق‌پذیری و تحقق از خصوصیات بارز آن به شمار می‌آیند و می‌تواند جوابگویی برای مشکلات باشد. برخی از محققان اصولی برای مشخص شدن مرزهای خلاقیت تعریف نموده‌اند: اول اینکه خلاقیت متضمن پاسخ یا مفهومی نو باشد یا آنکه احتمال وقوع آن بسیار کم باشد. اما باید توجه داشت که نو بودن و اصالت با آنکه شرط لازم خلاقیت است اما کافی نیست. زمانی یک پاسخ را می‌توان بخشی از یک فرایند خلاقیت به شمار آورد که تا اندازه‌ای با واقعیت مطابقت داشته یا اصولاً واقعی باشد. دوم خلاقیت باید گره‌ای را بگشاید یا با وضعیتی تناسب داشته و یا مقصود معینی را برآورد. سوم، خلاقیت واقعی مشروط به دوام آن بینش ابتکاری،

ارزیابی و تفسیر و رشد آن باشد. در جمله‌ای کوتاه می‌توان اینگونه بیان کرد «خیلی‌ها ایده‌های خوب دارند اما عده کمی آنها را عملی می‌کنند». همچنین یکی از عواملی که معمولاً با خلاقیت مربوط می‌دانند موضوع هوش است.

## ۲- وجوه هوش

یک مبنای طبقه‌بندی، نوع فرایند و یا نحوه عملکرد خاصی است که انجام می‌گیرد. این نوع طبقه‌بندی شامل ۵ گروه اصلی از توانشهای هوشی می‌باشد که عبارتند از عوامل

- شناخت
- حافظه
- تفکر همگرا
- تفکر واگرا و
- ارزشیابی.

شناخت، کشف و یا کشف دوباره و بازشناسی است. حافظه عبارت از حفظ آن چیزی است که درک شده است. در تفکر واگرا ما در جهات متفاوت تفکر می‌کنیم، گاهی به تفحص می‌پردازیم و گاهی در جستجوی تنوع هستیم در حالی که در تفکر همگرا اطلاعات به یک جواب درست و یا به بهترین جواب شناخته شده و قراردادی منتج می‌گردد. واضح است که یکی از توانشهای تفکر واگرا گوناگونی پاسخهایی است که تولید می‌شود. این نوع تولید تماماً زاده اطلاعات ارایه شده نیست. در اینجاست که میحث انعطاف‌پذیری در تفکر پیش می‌آید که از مباحث اصلی خلاقیت به شمار می‌آید. با این حال در بررسی افراد خلاق این نتیجه به دست آمده است که اگر چه داشتن حد معینی از هوش لازم است ولی شرط کافی نیست و لزوماً افراد با هوش خلاق نبوده‌اند در حالی که افراد با هوش متوسط می‌توانند افراد خلاق برجسته‌ای باشند. در واقع امور خلاقیت شاید بیشتر اکتسابی باشد تا فطری و می‌توان با آموزشهایی این توانایی را در خود افزایش داد.

## ۴- خصوصیات افراد بسیار خلاق

از مطالعه افراد بسیار خلاق موارد زیر نتیجه شده است. البته این خصوصیات شخصیتی آنهاست نه اینکه با اینگونه رفتارها، انسان بتواند به خلاقیت برسد:

- تمایل به تعریف و تمجید از خود دارند

- اشخاص خلاق مخصوصاً خواهان قبول پیچیدگی و حتی بی‌نظمی در دریافتهای خود هستند بدون آنکه نگران آشفتگی ناشی از این امر باشند. این بدان معنی نیست که آنان بی‌نظمی را دوست دارند بلکه پرمایگی موجود در بی‌نظمی را به کم‌مایگی نظم ترجیح می‌دهند. تمایل دارند نزد دیگران به داشتن نظرات تند و احمقانه شهرت داشته باشند.
- کارهای آنها با اظهار نظر اینکه از موضوع پرت هستند مشخص می‌شود. شوخ‌طبعی و بذله‌گویی از صفات بارز این افراد است. باید به این افراد کمک کرد که بدون اینکه کینه‌توز و پرخاشگر باشند جسارت خود را حفظ کنند.

## ۵- عوامل باز دارنده خلاقیت

- تلاشهای قبل از بلوغ برای حذف خیالبافی
- محدودیتهای بازدارنده قوه تدبیر و کنجکاوگی کودکان
- تکیه بیش از حد به نقش جنسیت؛ تفکر خلاق مستلزم حساسیتی بیش از حد (خصوصیتی کاملاً زنانه) و وابستگی به غیر و اتکای به خود (خصیلتی کاملاً مردانه) است. از همین رو یک پسر بسیار خلاق نسبت به سایر همجنسان همسال خود بیشتر دارای صفات زنانه به نظر می‌رسد.
- تأکید زیاد بر پیشگیری (نحوه پاسخگویی کودکان به مسایلی که مستلزم چاره‌اندیشی فرد هنگام قرار گرفتن در وضعیتی بن‌بست است نشان می‌دهد که تأکید بر پیشگیری قوه تصور بسیاری از کودکان را از رشد باز داشته است).
- القای ترس و کمرویی
- تأکید بر مهارتهای کلامی.

خطری که استعداد خلاق فرد را تهدید می‌کند، قضاوت یا ارزیابی تجربه فرد نیست بلکه پیشداوری است که به تبع آن تجارب بسیاری در حوزه دریافت را نمی‌یابند. خطری که آموزشهای معمول چه در خانه و چه در مراکز آموزشی در بردارند این است که نظرات نو و احتمال وقوع اعمال جدید خیلی زود و بیش از اندازه مورد انتقاد قرار می‌گیرند.

## ۶- عوامل تشدیدکننده خلاقیت و نوآوری

حس درونی تفکر، انسان را قادر می‌سازد شرایطی را که وجود خارجی ندارند، در درون ذهن شبیه‌سازی نماید و به وی این امکان را می‌دهد تا در امکانات یکسان با سایرین برای خود فرصتهای بهتری بیافریند. در واقع امور خلاقیت شاید بیشتر اکتسابی باشد تا فطری و می‌توان با آموزشهایی این توانایی را در خود افزایش داد. مجموعه عواملی که باعث

تشديد و ترغيب فرد به نوآوري مي‌گردند به عوامل تشديدكننده تعبير مي‌گردند كه خود به دو بخش كلي انگيزه‌ها و ابزارها تقسيم مي‌شوند كه در اينجا توضيح داده مي‌شوند.

## ۱-۱-۶- انگيزه‌ها

انگيزه‌هاي ترغيب كننده به نوآوري، مي‌توانند به خصوصيات و زندگي خصوصي افراد مربوط باشد و يا اينكه به اجتماع محل سكونت فرد بستگي داشته باشد كه ما در اينجا دلايل بروز هر يك را بررسي مي‌كنيم.

### ۱-۱-۶-۱- انگيزه‌هاي بيروني

به همه انگيزه‌هايي كه از جامعه به فرد القاء مي‌گردند گفته مي‌شود كه خود بر اثر موارد زير ناشي مي‌گردند:

- **بحران‌هاي جامعه:** مي‌دانيم سرچشمه خلاقيت نياز است. اغلب مواقع اگر نيازي در زندگي بشر مشاهده نشود، الزامي به خلاقيت وجود نخواهد داشت. نيازهاي بشر معمولاً به طور يکنواخت بروز مي‌يابند مگر در شرايطي استثنايي مانند بحران‌هاي مختلف از جمله بحران‌هاي طبيعي چون سيل و زلزله و آتشفشان و طوفان و همچنين بلايايي كه خود انسان مسبب آنهاست كه بارزترين آنها جنگ است. نوع و دليل بروز يك بحران در اينجا مد نظر نيست و آنچه حائز اهميت است هجوم سيل عظيمي از نيازها پس از وقوع بحران است كه مي‌تواند در جامعه سبب يك انقلاب فكري در نزد افراد گوناگون گرديده و به شكل نوآوري و خلاقيت بروز نمايد.
- **سطح توقعات جامعه:** جامعه‌اي كه در آن سير صعودي پيشرفت حاكم باشد، هر روز از طرف تك تك اعضاي خود شاهد خلاقيت و نوآوري است. در اين جامعه نوآوري به قشر متفكر و انديشمند محدود نگريده و همه مردم را شامل مي‌شود بطوريكه حتي تبهكاران نيز در اين جامعه هر روز به فكر خلق روشي نو در روند كاري خود مي‌باشند.

### ۱-۱-۶-۲- انگيزه‌هاي دروني

انگيزه‌هايي كه از درون شخص، منشاء مي‌گيرند را انگيزه‌هاي دروني مي‌نامند كه شامل موارد زير مي‌باشند:

- **استعداد ذاتي فرد:** اين امر حتي بدون وجود هر گونه محرك خارجي ممكن است آگاهانه يا ناآگاهانه صورت گيرد و با داشتن هوشي متوسط و آموختن راه‌هاي افزايش تفكر خلاق، كاملاً قابل دسترسي براي همه نيازهاي زندگي مي‌باشد.
- **نيازهاي دروني:** گاهي اوقات افراد در خود نيرويي احساس مي‌كنند كه همواره آنان را وا مي‌دارد كه در جهت كمك به ديگران و ارتقاي سطح زندگي در جامعه، دست به نوآوري بزنند. اين افراد از هر جنس و سن و

شغلي مي‌توانند باشند. به عنوان مثال خانمي در آمريكا كه از آگهي هاي تجاري تلويزيون ناراضي بود آنها را مطابق با ذوق خود مجدداً مي‌نوشت.

- **بحران‌هاي شخصي:** بحران‌هاي شخصي نيز مانند بحران‌هاي جامعه، مي‌توانند محرك بسيار قوي در امر نوآوري براي شخص باشند.

## ۶-۲- ابزارها

برخي فاكتورهاي تعيين‌كننده براي دستيابي به تفكر خلاق و جود دارند كه مي‌توان از آنها به عنوان ابزارهاي نوآوري ياد كرد. اين ابزارها عبارتند از:

- اراده
- اعتماد به نفس
- كميت
- شبیه سازی
- استمداد از ديگران
- مجاورت / تشابه / تباین
- تغيير دادن
- فعاليتهاي جنبي و . . .

این عوامل راهکارهایی برای آموزش نوآوری و تفکر خلاق ارائه می‌دهند. در آینده نزدیک این عوامل شرح داده می‌شوند.

## مراجع

ساعتچی، محمود، ۱۳۷۹. روانشناسی بهره‌وری. چاپ سوم. تهران: نشر نیایش.  
آناستازی، آن، ۱۳۶۹. تفاوت‌های فردی. ترجمه جواد طهوریان. چاپ دوم. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی